

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال نهم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۴۰۵ (صص ۹۷-۱۲۱)

مقاله پژوهشی

Doi:10.22034/jmzf.2026.550321.1256

تحلیل سطوح گفتمانی و دستوری وجهیت در زبان فارسی

محمود مبارکی^۱، مریم جلیلی^۲

چکیده

رویکردهای مختلف در رابطه با وجهیت، هرکدام به بخش خاصی از وجهیت پرداخته‌اند و توافق کلی از ابعاد وجهیت بین آن‌ها نیست. هدف پژوهش پیش رو معرفی تمام ابعاد وجهیت و ارائه تصویری جامع از آن به روش کتابخانه‌ای می‌باشد. درحالی‌که مقوله وجهیت کاملاً زبان ویژه است و در بین زبان‌ها به شیوه‌های مختلف و متنوعی منعکس می‌شود، نمی‌توان معیارهایی ارائه داد که مقوله وجهیت را در تمامی زبان‌ها به صورت یکسان بازنمایی کند. نگارندگان در پایان به این نتیجه می‌رسند که جهت بررسی وجهیت به یک شاکله کلی نیاز داریم که دارای سه بخش باشد: بررسی وجهیت بافتی (گفتمانی)؛ وجهیتی که نه واژگانی شده و نه دستوری؛ وجهیت زیرجمله‌ای؛ وجهیتی که فقط در عناصر جمله از قبیل صفت واژگانی شده باشد. وجهیت جمله‌ای؛ وجهیتی که در فعل دستوری شده باشد. از طرف دیگر وجهیت، یک عنصر زبانی است که می‌توان از منظر واج‌شناسی، نحوی، ساخت-واژی، معنایی و کاربردشناسی به آن پرداخت و هرکدام از این دیدگاه‌ها تنوعات گوناگونی برای وجهیت ارائه خواهد داد.

واژه‌های کلیدی: وجه، وجهیت دستوری، وجهیت معنایی، وجهیت گفتمانی.

^۱ -استادیار گروه زبان شناسی، دانشگاه جهرم، جهرم، ایران. (نویسنده مسئول)

mmobaraki@jahromu.ac.ir

^۲ -دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان شناسی، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

Maryam_jalili78@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۲

۱. مقدمه

وجهیت، موضوع پیچیده‌ای است و به همین دلیل هنوز صاحب‌نظران به تعریف مورد توافق از این مفهوم نرسیده‌اند. وجهیت پیچیدگی‌های معنایی، نحوی، ساخت‌وازی و غیره دارد که هرکدام پژوهش‌های متناسب خود را می‌طلبد. از میان ابعاد مختلف وجهیت، دو مقوله معنایی و مقوله صوری بیشتر مورد توجه است.

در این پژوهش، قصد داریم تصویری کلی از مقوله وجه و وجهیت، وجهیت دستوری و معنایی را معرفی و بررسی کنیم. وجهیت، پدیده‌ای است که نظر صاحب‌نظران متعددی از حوزه‌های مختلف خصوصاً زبان‌شناسی و فلسفه را به خود جلب کرده است. در حوزه زبان‌شناسی موضوع «وجهیت» در گذشته عمدتاً در ارتباط با مقوله نحوی «وجه» توسط دستورنویسان مورد بحث و تفحص قرار گرفته است؛ اما امروزه بیشتر در کانون مطالعات معناشناختی قرار دارد، رویکرد معناشناختی صرف مسلماً نمی‌تواند ابعاد مختلف توصیفی و نظری پدیده مذکور را روشن سازد؛ لذا اکثر مطالعات جاری موضوع «وجهیت» را براساس رویکرد میان‌حوزه‌ای بررسی می‌کنند.

توانگر و عموزاده (۲۰۰۹) با اشاره به لاینز (۱۹۷۷)، پالمر (۱۹۸۶)، بایی و همکاران (۱۹۴۴)، فیلمور (۱۹۸۶)، گیون (۱۹۹۵)، پالمر (۱۹۹۸) و ناروگ (۲۰۰۵) امکان دسته‌بندی مفهوم وجهیت به سه دسته کلی را مطرح می‌کنند. از نظر آن‌ها وجهیت «یا اطلاعاتی است معنایی در باب نگرش گوینده به کلام» یا «چیزی است و رای گزاره‌های درون گفته‌ها» و یا «وسیله‌ای است برای تمایز صدق از کذب». با کمی دقت می‌توان متوجه شد که این تعاریف محدود به وجهیت معنایی هستند و وجهیت دستوری را در برنمی‌گیرند. البته آن‌ها بر این باورند که هیچ‌کدام از این سه، به‌تنهایی برای توجیه وجهیت کافی نیست. به‌هرحال، این تفاوت بین برداشتها از مفهوم وجهیت به این معنا نیست که هیچ توافقی میان زبان‌شناسان در هیچ زمینه‌ای از

وجهیت حاصل نیست. درواقع، قریب به اتفاق زبان‌شناسان از جمله لاینز (۱۹۹۷)، بایبی و همکاران (۱۹۹۴)، هادلستون و پولوم (۲۰۰۲)، فینتل (۲۰۰۶) و نیوتس (۲۰۰۶) وجهیت را به‌طور اصولی ناظر بر عدم قطعیت گزاره‌های پیشرو می‌دانند و این نکته می‌تواند مبنای مشترک بین زبان‌شناسان محسوب گردد.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

از آنجا که رویکردهای مختلف هرکدام به بخش خاصی از وجهیت پرداخته‌اند و توافق کلی از ابعاد وجهیت بین آن‌ها وجود ندارد، نویسندگان در پی پاسخ‌دهی به این سؤال هستند که ابعاد کلی وجهیت چیست؟

۲-۱. اهداف و ضرورت تحقیق

علی‌رغم پژوهش‌های متناوب توصیفی و نظری در حوزه وجهیت، هنوز صاحب‌نظران به تعریفی مورد توافق از این مفهوم نرسیده‌اند و این خود دلیلی بر اهمیت و پیچیدگی پدیده وجهیت است. هدف پژوهش پیش رو معرفی تمام ابعاد وجهیت و ارائه تصویری جامع از آن می‌باشد.

۳-۱. پیشینه تحقیق

در دستور سنتی و در اکثر پژوهش‌هایی که تاکنون انجام شده است، وجهیت را محدود به وجه دستوری کرده‌اند، برای مثال پرویز ناتل خانلری (۱۳۵۴) در کتاب «تاریخ زبان فارسی» پنج نوع وجه (اخباری، التزامی، شرطی، امری و تمنایی) را طرح نموده که جز در مورد وجه شرطی که حرف شرط را نشانه و شاخصی برای دریافت وجه شرطی در جمله می‌داند، در بقیه موارد محدوده عمل وجهیت را در عملکرد فعل دانسته و هیچ‌یک از نقش‌ها و اجزای دیگر جمله را دخیل نمی‌داند. پژوهش‌های بعد از خانلری، از جمله محمدرضا باطنی (۱۳۷۰) در کتاب «توصیف ساختمان دستوری

زبان فارسی» با اضافه کردن بخش دیگری به وجهیت مانند وجه غیرشخصی و جلال رحیمیان (۱۳۷۸) در مقاله «وجه فعل در فارسی امروز» با طرح سؤالاتی از این قبیل که آیا وجه از ویژگی کلمه فعل است یا گروه فعلی یا کل جمله؟ موجب تمایز مقوله معنایی و مقوله صوری وجهیت شد اما با این‌همه تاکنون ابعاد مختلف وجه نامشخص مانده است. پژوهش‌های اخیر زبان‌شناسی در این حوزه، قابل تأمل است اما نکته مهم این است که پژوهشگران در این حوزه از دستاوردهای خارجی پیروی می‌کنند درحالی‌که مقوله وجهیت کاملاً زبان ویژه است و تحقیقات این‌چنینی باید مطابق با ذات هر زبان و سازگاری آن با توانایی‌ها و امکانات آن زبان باشد.

رحیمیان (۱۳۷۸) در مقاله «وجه فعل در فارسی امروز» وجهیت معنایی را اساساً نگرش متکلم به وقوع یک رخداد اطلاق می‌کند و برای تبیین مقوله صوری وجهیت به دنبال یافتن نشانه‌های صوری در ساختمان فعل است؛ بنابراین وجه فعل فارسی را به دو دسته اصلی اخباری و غیر اخباری تقسیم می‌کند و نشانه فعل اخباری را داشتن پیشوند «می» و نشانه وجه غیر اخباری (التزامی، امری) را پذیرفتن پیشوند «ب» می‌داند (رحیمیان، ۱۳۷۸: ۴۵). طاهری و اسفندیار (۱۳۹۶) در اثر «تأثیر بافت در شناخت صور وجهی» معتقدند که این تلاش‌ها بیشتر برای تحقق این امر است که بتوان با قواعد دستوری، مقوله‌های معنایی را توجیه کرد یا راهی برای شناخت وجهیت از طریق نشانه‌های صوری بیابد. ایراد این‌گونه روش‌ها از آنجاست که برای یافتن وجهیت بر روی فعل تمرکز می‌کنند چراکه دنبال دیدگاه گوینده در گزاره و فعل هستند و از آنجایی‌که همه مصادیق وجهیت در ساختار دستوری یافت نمی‌شود؛ مجبور به روش‌های معنایی می‌شدند تا جایی‌که در تعریف وجهیت به اتفاق گفته‌اند: وجهیت مقوله‌ای معنایی است که دیدگاه گوینده را نسبت به گزاره‌ای نشان می‌دهد (طاهری و اسفندیار، ۱۳۹۶: ۲).

پالمر (۱۹۹۰) در یک پژوهش مبسوط با استفاده از دو مفهوم «درجه» و «نوع» نگاه متفاوتی به وجهیت دارد. وی پس از بحث‌های نظری، با استفاده از داده‌های برگرفته از تعاملات زبانی روزمره، سه درجه و سه نوع وجهیت را طرح می‌کند که روشنگر زوایای جالبی از این مفهوم است و می‌تواند علاوه بر زبان انگلیسی، دست‌مایه تحلیل و بررسی وجهیت توسط فعل‌های وجهی در دیگر زبان‌ها قرار گیرد. پالمر به تبعیت از سیپرسن (۱۹۲۴) وجهیت را به‌عنوان یکی از ویژگی‌های معنایی - دستوری می‌داند که این رویکرد با نظرات زبان‌شناسانی که وجهیت را اساساً پدیده‌ای معنایی می‌دانند کمی ناسازگار است.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. تفاوت وجه و وجهیت

در بررسی مقولات وجهی باید به تمایز وجه و وجهیت توجه داشت چراکه این دو باهم تفاوت دارند و هر یک به ابزارهای مختلفی در بازنمایی مقوله وجهیت اشاره می‌کنند. از نظر سعید، هرگاه تمایزات وجهیت در صرف فعل نمایان شود، به آن وجه گفته می‌شود و در سایر موارد که ابزارهای حاشیه‌ای و واژگانی این مقوله را بیان می‌کنند، به آن وجهیت گفته می‌شود (سعید ۲۰۰۹: ۱۴۱-۱۴۲). از نظر رضایی و بهرامی وجه و وجهیت (mood vs modality) بااینکه مرتبط و به هم پیوسته‌اند، اما از یکدیگر متمایزند. آنان معتقدند که وجه، مقوله‌ای معنایی - نحوی است که در سطح جمله عمل می‌کند. مفهوم وجه اصطلاحی پوششی برای بیان درجات مختلفی از تعهد گوینده نسبت به قطعیت گزاره است. به عبارت دیگر وجه میزان واقعی یا حقیقی بودن گزاره از منظر گوینده را نشان می‌دهد. به این ترتیب سخنگو مشخص می‌کند که رخداد یا وضعیتی واقعاً اتفاق می‌افتد، رخ نمی‌دهد یا امکان بالقوه وقوع آن وجود دارد. از نظر آنان وجه در زبان‌های مختلف با وندهای تصریفی یا ادات فعلی بازنمایی

می‌شود. به بیان دیگر، آن‌ها معتقدند که هر وقت مفهوم موردنظر با ابزارهای صرفی - نحوی بازنمایی شود، وجه نامیده می‌شود و هر زمان از افعال کمکی وجهی در بازنمایی مفاهیم مرتبط با میزان اطمینان از وقوع رخداد استفاده شود، در این حالت وجهیت نامیده می‌شود. صورت‌های واژگانی از قبیل قیده‌های بیانگر یقین و اطمینان یا تردید و احتمال نیز می‌توانند بیانگر وجهیت در جمله باشند و همچنین برخی افعال نیز دارای مفهوم وجهیت در محتوای معنایی خود هستند. برای مثال می‌توان به فعل «مطمئن بودن» اشاره کرد که در محتوای معنایی خود میزان قطعیت را می‌رساند و در مقابل فعل «تردید داشتن» که عدم قطعیت را می‌رساند (رضایی و بهرامی ۱۳۹۴: ۲۳۷-۲۳۸).

با توضیحات بالا می‌توان متوجه شد که وجهیت می‌تواند در مقولات واژگانی از قبیل اسم، صفت، قید و غیره وجود داشته باشد که همه این‌ها را می‌توان ذیل وجهیت معنایی از آن نام برد و از طرف دیگر هر آنچه با ابزارهای دستوری نشان داده شود وجه نامیده می‌شود که به عبارت دیگر وجهیت دستوری است. برای روشن شدن بحث می‌توان گفت همان‌طور که جنسیت در زبان هم نمود دستوری دارد و هم معنایی، وجهیت هم به همان شکل است. برای مثال زبان عربی جنسیت دستوری دارد یعنی با ابزارهای دستوری نشان می‌دهند که کننده کار مؤنث است یا مذکر. وضعیت زبان فارسی به این صورت است که جنسیت دستوری ندارد یعنی هیچ ابزار دستوری در فعل در ارتباط با جنسیت وجود ندارد. همان‌طور که میرسعیدی معتقد است «زبان فارسی با اینکه از لحاظ نحوی جنسیت‌گرا نیست اما از لحاظ معنایی جنسیت‌گرایی در آن ریشه فرهنگی دارد. اندیشه‌های جنسیت‌گرایی گویشوران فارسی و دیدگاه و باور آن‌ها درباره ابعاد مختلف شخصیتی جنس زن و مرد، به گونه‌های مختلف در

بخش‌هایی مانند واژگان و معنا به‌وضوح پدیدار است» (میرسعیدی، ۱۳۹۱: ۲۰). پس با این توضیحات می‌شود وجهیت را به دو بُعد معنایی و دستوری تقسیم‌بندی کرد.

۲-۲. انواع وجه

برخی زبان‌ها در یک طبقه‌بندی کلی، وجه را به دو دسته واقعی و غیرواقعی تقسیم می‌کنند. وجه واقعی به رخدادها در جهان واقع اشاره دارد، درحالی‌که وجه غیرواقعی، رخدادهای آینده و خیالی را نشانه‌گذاری می‌کند (سعید ۲۰۰۹: ۱۴۱). طبقه‌بندی دو شقی در تمایز میان وجه واقعی و غیرواقعی در زبان لحاظ می‌گردد، هرچند تقسیم‌بندی ظریف‌تری از آن‌ها ارائه می‌شود. وجه اخباری (indicative) بر صدق گزاره صحه می‌گذارد، بنابراین بیانگر همان وجه واقعی است، اما وجه غیرواقعی بسته به ویژگی‌های خاص زبان به انواع مختلفی از قبیل التزامی (subjunctive)، تمنایی (optative)، امری و شرطی (conditional) تقسیم می‌شود. در بین زبان‌ها عموماً وجه اخباری فاقد نشان خاصی است. پس در حالت بی‌نشان، جملات خبری، وجه اخباری دارند (رضایی و بهرامی ۱۳۹۴: ۲۳۹).

یک وجه بسیار رایج در زبان‌های هند و اروپایی وجود دارد که وجه التزامی نام دارد. اصطلاح «التزامی» در همه زبان‌ها کاربرد مشابه ندارد، بلکه تفاوت‌هایی در تعریف آن مشاهده می‌شود. در نگرش معناشناختی، اصطلاح التزامی ناظر بر نوع خاصی از وجه غیر واقعی است و برای بیان آرزوها، عقاید، تمایلات و مواردی از این دست بکار می‌رود (سعید ۲۰۰۹: ۱۴۲). پالمر نیز شش معنی متفاوت از وجه التزامی در زبان لاتین ارائه می‌دهد که عبارت‌اند: از امری، تمنایی، فرمانی (jussive)، اعطایی (concessive)، امکانی و تعمدی (deliberative). تمامی این وجه‌ها در مقابل وجه اخباری قرار می‌گیرند که جنبه‌های معنایی متفاوتی از غیرواقعی بودن را نشان می‌دهند. گرچه

تمامی کاربردهای وجه التزامی، از نظر دلالت بر غیرواقعی بودن گزاره با هم تشابه دارند، اما محدوده کاربرد وجه التزامی پیچیده بوده و خاص هر زبان است. وجه اخباری با امکان وقوع بیشتر و وجه التزامی با احتمال وقوع کمتر گزاره در ارتباط است (پالمر ۱۹۸۶: ۳۹-۴۳). در زبان فارسی، علاوه بر وجه اخباری و التزامی، وجه امری نیز در ساختمان دستوری وجود دارد که تصریف مشخصی را بر فعل اعمال می‌کند. تقطیع وجه غیرواقعی در هر زبان متفاوت و متمایز است و بنابراین در مقایسه زبان‌ها هم‌پوشانی میان دسته‌بندی‌های مختلف وجه مشاهده می‌شود.

۲-۳. انواع وجهیت

وجهیت، کارکرد دوگانه افعال وجهی در زبان‌ها است. عمدتاً افعال کمکی وجهی، در دو نقش اصلی در زبان کاربرد دارند. گاه استفاده از افعال وجهی بیانگر اجبار، توصیه یا اجازه در انجام کار یا وقوع رخداد است که از آن با عنوان وجهیت الزامی (deontic) یاد می‌شود و گاهی نیز افعال وجهی نشان‌دهنده درجات مختلف امکان وقوع رخداد یا انجام کار هستند که با نام وجهیت معرفتی (epistemic) شناخته می‌شوند. به بیان دقیق‌تر، گرچه همچنان هر دو نوع وجهیت الزامی و معرفتی، نگرش و قضاوت گوینده را در مورد قطعیت رخداد بیان می‌کنند، منظر هر کدام متفاوت است. در وجهیت الزامی، در مورد نحوه عملکرد و چگونگی رفتار افراد در جهان پیرامون قضاوت می‌شود، اما در وجهیت معرفتی، قضاوت صرفاً در مورد چگونگی جهان پیرامون است و به نقش افراد اشاره‌ای ندارد (رضایی و بهرامی ۱۳۹۴: ۲۴۳).

از نظر پالمر وجهیت معرفتی به فرد اجازه می‌دهد که احتمال وقوع موقعیت‌های فرضی را از نظر قطعیت و هماهنگی آن‌ها با جهان واقعی پیش‌بینی کند. به این ترتیب وجهیت معرفتی بر درجات مختلف امکان وقوع رخداد، از منظر گوینده تأکید دارد،

درحالی که وجهیت الزامی، نشان‌دهنده اجبار و الزام یا اجازه در انجام رخداد توسط گوینده است (پالمر ۱۹۸۶: ۲۰۰۱).

در جمله «علی باید هرروز به مدرسه برود» اجبار علی در انجام کنش مدنظر و موردتوجه است، درحالی که در جمله «علی باید تا حالا به مدرسه رسیده باشد» گوینده صرفاً براساس شواهد و اطلاع از زمان حرکت علی و مواردی از این دست، در مورد احتمال وقوع رخداد، یعنی رسیدن علی به مدرسه، قضاوت می‌کند و البته احتمال وقوع رخداد را با قطعیت بالایی در نظر می‌گیرد؛ بنابراین کاملاً مشهود است که یک فعل وجهی واحد می‌تواند بیان هر دو نوع وجهیت الزامی و معرفتی را بر عهده گیرد. «باید» در مثال «الف» نشان‌دهنده وجهیت الزامی و در «ب» بیانگر وجهیت معرفتی است (رضایی و بهرامی ۱۳۹۴: ۲۴۳).

۲-۴. تعامل زمان دستوری، نمود و وجه

در فرانش بینافردی نظریه نقش‌گرایی هلیدی، ساختمان بند به دو بخش وجه و مانده تقسیم می‌شود. وجه، عنصری است که در ساختمان بند بسیار مؤثر است و هسته اصلی گفت‌وگو را شکل می‌دهد. عنصر وجه، خود شامل عنصر صرفی یا جز خود ایستا که یک گروه کلامی یا فعلی است و فاعل هم یک گروه اسمی است. عنصر صرفی خود شامل زمان دستوری، قطبیت و وجهیت است. زمان دستوری شامل گذشته، حال و آینده است و قطبیت به این معناست که گزاره دارای چه میزان اعتبار مثبت و منفی است (هلیدی، ۱۹۸۵).

لاینز به سه مقوله دستوری زمان، نمود و وجه می‌پردازد. مقوله دستوری وجه را نزدیک به زمان دستوری می‌داند که در برخی زبان‌ها مستقل از زمان دستوری کاربرد

می‌یابد. این مقولات را هیچ‌کدام مقولات جهانی نمی‌داند اما معتقد است که این مقولات مستقل از هم یا در کنار هم در بسیاری از زبان‌های مختلف دنیا به کار می‌روند (لاینز ۱۹۸۱: ۴۱۹).

لاینز به معرفی دو اصطلاح معرفتی و تکلیفی می‌پردازد و می‌گوید تمامی زبان‌های طبیعی در گونه گفتاری‌شان، ابزارهایی زبرزنجیری، یعنی تکیه و آهنگ صدا را در اختیار کاربران‌شان قرار می‌دهند تا آنان بتوانند انواع مختلف و متمایزی از تعهدهای معرفتی‌شان را بیان کنند (همان: ۴۶۷). در برخی از زبان‌ها، این ابزارها در مقولۀ وجه، دستوری شده‌اند؛ در برخی دیگر، نظیر انگلیسی، این ابزارها واژگانی یا شبه واژگانی شده‌اند، آن‌هم به صورت افعال وجهی، نظیر *may*، *must* و غیره، صفتهای وجهی، نظیر *possible* و غیره، قیدهای وجهی، مثل *possibly* و غیره و ادات‌های وجهی، مانند *perhaps* و غیره. نتیجه آخر اینکه وجه، برحسب تعریفش، مقوله‌ای است که از دستوری شدن جهت معرفتی، جهت تکلیفی و انواع دیگرش حاصل می‌آید (همان ۴۶۸).

۲-۵ بررسی دیدگاه‌های وجهیت

دیدگاه اول: نقی‌زاده و همکاران ضمن دشوار دانستن ارائه یک تعریف دقیق از مفهوم وجهیت با استفاده از ویژگی‌های زبانی، دیدگاه‌های مختلف در برخورد با مفهوم وجهیت را به سه دسته کلی تقسیم‌بندی می‌کنند: الف: وجهیت عبارت است از اطلاعات معنایی مربوط به بینش یا دیدگاه گوینده درباره آنچه گفته می‌شود. ب: وجهیت عبارت از ماهیتی است ورای گزاره موجود در عبارات زبانی. ج: وجهیت عبارت است از ابزاری برای بیان تمایز بین صدق و کذب (نقی‌زاده، توانگر و عموزاده ۱۳۹۰: ۲).

طاهری و اسفندیار معتقدند که این سه تعریف کلی تنها در یک منظر، اشتراک نسبی دارند و به این معناست که وجهیت، نوعی عدم قطعیت میان گزاره‌های ارائه

شده است. آنچه از تعاریف وجهیت در حوزه دستور یا در حوزه معنا برمی‌آید، این است که هیچ‌کدام از روش‌های دستوری یا معنایی به‌تنهایی برای تبیین این موضوع بسنده نیستند هرچند هرکدام به سهم و اندازه خود کارایی دارند (طاهری و اسفندیار ۱۳۹۶: ۳).

از طرف دیگر نقی‌زاده و همکاران معتقدند که وجهیت نه‌تنها اسباب سنجش عینی وقایع را فراهم می‌کند، بلکه به نوعی جهت‌گیری و نگرش ذهنی گوینده در ارتباط با محتوای عبارت را نیز نشان می‌دهد. آن‌ها ضمن تحلیل تعاریف مختلف وجهیت، دو نکته اساسی را مطرح و سپس به دسته‌بندی انواع آن می‌پردازند. نکته اول اینکه وجهیت با کل گزاره مرتبط است و نه صرفاً با رویدادها یا اشیا موجود در جمله. نکته دوم اینکه در حوزه وجهیت تمام گزاره، سطح صدق و کذب آن را در برمی‌گیرد؛ بنابراین می‌توان گفت که وجهیت تنها با صحت و سقم گزاره‌ها سروکار ندارد، بلکه دربردارنده طیف گسترده‌ای از معانی و مفاهیمی است که امکان، ضرورت، استنتاج، احتمال، تأکید، واقع‌شدگی یا عدم وقوع، تردید، اراده و توانایی از آن جمله است. (نقی‌زاده، توانگر و عموزاده، ۱۳۹۰: ۳ به نقل از فرولی، ۱۹۹۲: ۲۱۹). عقیده طاهری و اسفندیار این است که نقی‌زاده و همکارانش تحت تأثیر پالمر (۱۹۹۰) رویه‌ای بینابین یعنی معنایی-دستوری را نسبت به روش‌های صرفاً معنایی یا صرفاً دستوری توجیه‌پذیر می‌دانند (طاهری و اسفندیار ۱۳۹۶: ۳).

رحیمیان و عموزاده نیز با پذیرش دیدگاه پالمر (۱۹۹۰) بر این نکته تأکید دارند که وجهیت با ملاک‌های معنایی صرف قابل تشخیص نیست و معتقدند که پدیده‌ها و مقوله‌های گوناگون زبانی را نه می‌توان با تکیه صرف بر معنا و نه می‌توان با اتکای انحصاری بر ملاک‌های نحوی تحلیل کرد و در این راستا نگرش معنایی - دستوری

پالمر را منطقی می‌دانند؛ لذا تعریف مقدماتی مناسب وجهیت از نظر پالمر (۱۹۹۰: ۱-۳) همان «عقیده و نگرش گوینده» است که هم‌صدا با لاینز (۴۲۵: ۱۹۷۷) است (رحیمیان و عموزاده ۱۳۹۲: ۵).

لذا می‌توان به این نتیجه رسید که وجهیت در نگاه کلان به دو شکل خود را نشان می‌دهد یا در بافت است و نشانه‌ای ندارد و یا اینکه در جمله است و نشانه‌های مخصوص به خود را دارد. در نگاه خردتر به جمله، وجهیت به دو صورت است، یا در عناصر جمله از قبیل صفت، واژگانی شده است و یا در فعل، دستوری شده است که بر کل گزاره تأثیرگذار است. به عبارتی می‌توان دسته‌بندی سه‌تایی نقی‌زاده و همکاران را به این صورت بیان کرد که:

الف: وجهیت عبارت است از اطلاعات معنایی مربوط به بینش یا دیدگاه گوینده درباره آنچه گفته می‌شود. (تعریف اول وجهیت مطابق با دیدگاه لاینز ۱۹۷۷، پالمر ۱۹۸۶ و بایی و دیگران ۱۹۹۴ است). ب: وجهیت عبارت از ماهیتی است و رای گزاره موجود در عبارات زبانی. تعریف دوم وجهیت مطابق با دیدگاه فیلمور ۱۹۶۸ است. ج: وجهیت عبارت است از ابزاری برای بیان تمایز بین صدق و کذب. تعریف سوم وجهیت نیز مطابق با دیدگاه گیون ۱۹۹۵؛ پالمر ۱۹۹۸، ۲۰۰۱ و ناروگ ۲۰۰۵ است.

دیدگاه دوم: جنبه‌های وجهیت از نظر پالمر (۱۹۹۰) در دو بُعد اصلی زیر مورد بررسی قرار می‌گیرند که رحیمیان و عموزاده به‌طور مفصل به آن پرداخته‌اند: در بُعد نخست سه نوع وجهیت مورد بررسی قرار می‌گیرد: معرفتی (اپیستمیک)، الزامی (داینتیک) و پویا (داینامیک). در بُعد دوم درجات وجهیت به امکان-ضرورت و (بدون نام) وجهیت معرفتی. حال انواع وجهیت از تلفیق این دو بُعد به دست می‌آید:

- وجهیت معرفتی: معرفتی ممکن - معرفتی ضروری و بالاترین درجه معرفتی.

- وجهیت الزامی: الزام ممکن - الزام ضروری و بالاترین درجه الزام.

- وجهیت پویا: پویای ممکن - پویای ضروری و بالاترین درجه پویایی.

رحیمیان و عموزاده با تحلیل و بررسی شماری از جمله‌های روزمره فارسی حاوی فعل‌های وجهی براساس چارچوب پالمر به این نتیجه رسیدند که در زبان فارسی تعبیرهای وجهی به‌طور قابل ملاحظه‌ای به بافت کلام وابسته‌اند و عدم آگاهی کامل از بافت، یا جمله را در معرض بیش از یک تعبیر قرار می‌دهد یا فرد را به‌طور جدی دچار ابهام یا حتی خطا در قضاوت راجع به خود وجهیت، نوع یا درجه آن خواهد ساخت. ازاین‌رو، آن‌ها معتقدند در زبان فارسی نمی‌توان گفت که هر فعل وجهی اختصاصاً ویژه بیان یک درجه یا یک نوع خاص از وجهیت است. بررسی آن‌ها نشان داد که فعل وجهی «باید» علی‌رغم عدم استلزام گزاره‌ای، برای بیان سه درجه از وجهیت معرفتی، دو درجه از وجهیت پویا و یک درجه از وجهیت الزامی به کار می‌رود. دو فعل وجهی دیگر زبان فارسی یعنی «شدن» و «توانستن» نیز جدای از تفاوت‌های سبکی، با توجه به کارکردهای مشترک، برای بیان دو درجه از وجهیت معرفتی، دو درجه از وجهیت الزامی و یک درجه از وجهیت پویایی به کار می‌روند؛ لذا بررسی نمونه افعال وجهی زبان فارسی در بیان مفهوم وجهیت حاکی از این است که چارچوب دستوری - معنایی پالمر در تبیین و دسته‌بندی آن‌ها از لحاظ نوع و درجه تا حدی موفق بوده و می‌تواند بعضی از جنبه‌های دستوری - معنایی آن‌ها را آشکار سازد ولی چالش چارچوب مذکور، میزان توانایی آن در ابهام‌زدایی معانی متنوع افعال وجهی است. تنوع معانی افعال وجهی در زبان فارسی خصوصاً فعل «باید» بسیار گسترده است که مفاهیم قابل‌بیان توسط آن در زبان‌های دیگر مثلاً انگلیسی با افعال وجهی

متنوع متمایز از هم بیان می‌شود؛ لذا بافت موقعیتی کلام نقش بسزایی در تمایز معانی گوناگون افعال وجهی دارد که متأسفانه چارچوب پالمر قادر به تبیین و توصیف آن‌ها نیست؛ لذا شناخت ابعاد مختلف وجهیت براساس رویکرد میان حوزه‌ای دستوری - معناشناختی - کاربردشناختی - کلامی میسر خواهد بود (رحیمیان و عموزاده ۱۳۹۲: ۳۰-۲۵).

نتیجه‌ای که از دیدگاه دوم می‌توان گرفت، این است که دیدگاه پالمر به وجهیت، تنها محدود به وجهیت دستوری یا به تعبیری وجه دستوری است، به این دلیل که تنها برای افعال کارایی دارد. زمانی می‌توان گفت که دیدگاه پالمر رویکرد مناسبی برای بررسی وجهیت است که دیگر ابعاد وجهیت یعنی وجهیت معنایی یا واژگانی را نیز در دل نظریه خود بگنجاند.

دیدگاه سوم: دستورنویسان و زبان‌شناسان نوین هرکدام در مسیری متفاوت مفهوم وجهیت را توصیف نموده‌اند، با این‌همه که هرکدام روش متفاوت در پیشرو داشتند، اما در یک مسئله اشتراک دارند و آن این است که برای بررسی موضوع وجهیت فقط به ساختار دستوری و روساخت زبان توجه کرده‌اند و آن‌هایی هم که به بُعد معنایی و گروهی پرداختند تنها تلاش برای دستوری کردن مفاهیم وجهیت بوده است اما توجه چندانی به بافت کلام و تأثیر آن بر وجهیت در سطح جمله و زیر جمله ننموده‌اند. آن‌ها معتقدند که بافت کلام با همه تغییرات و تطورات زبان در ادوار و مکتب‌های مختلف همیشه و آن‌هم به‌صورت غیر واژگانی و نا دستورمند اثرگذار است؛ بنابراین شناخت همه ابعاد وجه در کلام مستلزم شناخت بافت کلام موردنظر است (طاهری و اسفندیار ۱۳۹۶: ۱).

آن‌ها با بررسی و ارائه پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه وجهیت سعی دارند دریافت معنی از «بافت» را تبیین کنند ولی مشکل اساسی این است که زبان‌شناسان در پی واژگانی‌شدگی این دریافت‌ها هستند تا بتوانند به کمک نشانه‌های روساختی از زبان به‌عنوان رمزهایی برای شناساندن وجهیت در کلام راهی بیابند. آن‌ها همچنین از پژوهش‌های بیان‌شده نتیجه گرفتند که بسیاری از عناصر وجهی واژگانی نشده‌اند؛ به این معنا که نمی‌توان به کمک نشانه‌های قراردادی و لفظی به معنی دقیق و نمود عینی وجهیت در جملات دست‌یافت (همان: ۶).

طاهری و اسفندیار با اشاره به پژوهش ایلخانی‌پور که «اسامی وجهی»، «صفات وجهی»، «افعال وجهی»، «قیود وجهی» و «زمان دستوری: کاربرد آینده‌محور در گذشته ساده» را به‌عنوان عناصر وجهی زبان فارسی بر اساس ابعاد سه‌گانه معنایی وجهیت (نیروی وجه، پایه وجه و منبع وجه) مورد بررسی قرارداد، سعی دارند نتیجه پژوهش وی را تأیید کنند (طاهری و اسفندیار ۱۳۹۶: ۷). ایلخانی‌پور به این نتیجه رسیده بود که همه آن ابعاد سه‌گانه در سطوح مختلف عناصر وجه، واژگانی نشده‌اند؛ یعنی همه عناصر وجه به واحدی انتزاعی و ذهنی انحصاراً برای همان مفهوم وجهیت قرار نگرفته‌اند. ایشان مفهوم واژگانی‌شدگی را بدین‌صورت بیان می‌کنند: «منظور از واژگانی‌شدگی درواقع فرایند پذیرش و رمزگذاری تقابلی مفهومی (مانند تمایز الزام - امکان یا معرفتی - وضعیتی در وجهیت) در واژگان است» (به نقل از برنتون و تراوگت ۲۰۰۵: ۱۸ و کریستال ۲۰۰۸: ۲۷۹)؛ و همچنین «منظور از واحد واژگانی، واحدی انتزاعی و ذهنی است و نه واژگانی که در بافتی خاص ظاهر شود» (به نقل از آرونوف و فورمن ۲۰۰۵: ۴۴). در نتیجه اگر مفهومی در بافتی خاص توسط یک واژه بیان شود، بدان معنا نیست که آن مفهوم واژگانی‌شده است (ایلخانی‌پور، ۱۳۹۴: ۵۵).

طاهری و اسفندیار در نهایت به این نتیجه می‌رسند که زبان با همه تحولات و تطوراتی که در عرصه اجتماع چه در زمانی و چه هم زمانی به خود می‌بیند، هیچ‌گاه رفتاری راكد و ایستا از خود نشان نمی‌دهد. از سوی دیگر رفتار زبان و اهل هر زبانی تنها در گفتار ساده و دستورمند نمی‌گنجد. چه‌بسا اهل عامی زبان نیز در کاربرد الفاظ به تعابیر کنایه‌آمیز یا مجاز و استعاره‌گونه متوسل می‌شوند که هیچ‌یک از عناصر وجهی زبان در عبارات او نمی‌گنجد و تنها راه شناخت مفهوم وجهی توجه و درک بافت کلی کلام گوینده است (طاهری و اسفندیار ۱۳۹۶: ۷).

لذا تا بدین‌جا به این نتیجه می‌رسیم که برای بررسی وجهیت به یک شاکله کلی نیاز داریم که دارای سه بخش باشد ۱. بررسی وجهیت بافتی (گفتمانی)؛ وجهیتی که نه واژگانی‌شده و نه دستوری. ۲. وجهیت زیر جمله‌ای؛ وجهیتی که فقط در عناصر جمله از قبیل صفت واژگانی‌شده باشد. ۳. وجهیت جمله‌ای؛ وجهیتی که در فعل دستوری‌شده باشد.

به‌طورکلی می‌توان گفت وجهیت در زبان فارسی یا مقوله‌ای معنایی است که دیدگاه گوینده را نسبت به گزاره‌ای نشان می‌دهد که هم‌راستا با نظر لاینز ۱۹۷۷، پالمر ۱۹۷۹، سعید ۲۰۰۹، اخلاقی (۱۳۸۶: ۸۳)، طالقانی (۲۰۰۸: ۱۱)، توانگر و عموزاده (۲۰۰۹: ۸۵۳)، (عموزاده و رضایی ۱۳۸۹: ۵۸) است و یا مقوله‌ای زبانی (دستوری) و نه صرفاً معنایی است که هم‌راستا با نظر پالمر (۲۰۰۱: ۱)، ناروگ (۲۰۰۵: ۱۸۹)، پورتنر (۲۰۰۹: ۱) است؛

دیدگاه چهارم: پورتنر عناصر وجهی را به سه دسته تقسیم می‌کند.

۱- وجهیت جمله‌ای (sentential modality): بازنمایی مفاهیم وجهی در سطح جمله را شامل می‌شود. عناصر وجهی این طبقه شامل: الف: افعال وجهی از قبیل توانستن، احتمال داشتن. ب: قیود وجهی از قبیل احتمالاً و بی‌شک. ج: زمان از قبیل کاربرد آینده محور زمان گذشته.

۲- وجهیت زیرجمله‌ای (sub-sentential modality): شامل بازنمایی مفاهیم وجهی در سازه‌های کوچک‌تر از جمله مانند گروه‌های اسمی است. از قبیل این موارد می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: الف: صفات وجهی مانند ممکن و احتمالی. ب: وجه فعلی (verbal mood) به‌ویژه وجه اخباری و التزامی ج: افعال گزاره نگر (propositional attitude verbs) مانند دانستن و امیدوار بودن.

۳- وجهیت گفتمانی (discourse modality) بازنمایی مفاهیم وجهی در سطح گفتمان است که بارزترین نمونه آن شهودیت (evidentiality) است.

کریمی دوستان و ایلخانی پور (۱۳۹۱) به‌منظور دستیابی به الگویی نظام‌مند جهت بررسی عناصر وجهی زبان فارسی، تعاریف و طبقه‌بندی پورتنر (۲۰۰۹) که در بالا قید شد را مبنا قرار می‌دهند و معتقد هستند که این ۳ نمونه از وجهیت را می‌توان به لحاظ معنایی، نحوی، ساخت‌وازی، کاربردشناسی و واج‌شناختی بررسی نمود که با بررسی هر جنبه از عناصر وجهی به‌طور جداگانه و در ارتباط با سایر عناصر وجهی می‌توان با کنار هم قرار دادن این عناصر به تصویری کامل از نظام وجهیت در یک زبان دست یافت. آن‌ها خود تنها به بُعد معنایی عناصر وجهی یعنی پایه وجه، نیروی وجه و منبع ترتیب پرداختند؛ اما دیدگاهی که پورتنر از وجهیت به دست می‌دهد، این‌گونه به نظر می‌رسد که می‌تواند تمامی ابعاد وجهیت را در برگیرد زیرا وجهیت

هم در سطح گفتمان قابل بررسی است و هم در جمله و هم در اجزای جمله. همان‌طور که طاهری و اسفندیار معتقدند نمی‌توان همه مقوله‌های معنایی زبان‌های مختلف را در چارچوب قواعد و مقولات دستوری گنجانده و اگر در برخی موارد ممکن باشد، قواعد و قوانین آن قابل تعمیم در زبان‌های دیگر نیستند چراکه ابزار دستوری هر زبان مانند وندها، قیود، صفات، افعال کمکی و غیره. علاوه بر این‌ها کاربردهای کنایات و مثل‌ها و آمیختگی با صناعات و آرایه‌های ادبی در هر زبانی با زبان دیگر متفاوت است. لذا در بحث وجهیت باید به دو نکته مهم تأکید کنیم: یکی بررسی وجهیت به صورت زبان ویژه و دوم بررسی وجهیت در سطوح گفتمانی، جمله‌ای و زیر جمله‌ای؛ یعنی اینکه قواعد وجهیت یک زبان را به زبانی دیگر تحمیل نکنیم و شاکله وجهیت هر زبان با زبان دیگر متفاوت است. دوم اینکه برای بررسی وجهیت تمامی ابعاد را از بافت گرفته تا فعل بشکافیم. بدین صورت وجهیت بافتی گفتمانی در مرحله اول روی پیوستار قرار می‌گیرند و سپس وجهیتی که در سطح جمله است و سپس وجهیتی که در عناصر جمله نهفته است (طاهری و اسفندیار، ۱۳۹۶: ۲).

الگوی پیشنهادی کریمی دوستان و ایلخانی‌پور برای مطالعه وجهیت در زبان فارسی به پیروی از پورتنر (۲۰۰۹) در زیر آمده است که تقریباً الگوی قابل قبولی برای بررسی وجهیت معنایی (واژگانی‌شده) در زبان فارسی است و ایراد آن این است که جایی برای وجهیت گفتمانی و وجهیت دستوری (دستوری‌شده در فعل) در این الگو در نظر گرفته نشده است. این الگو تنها وجهیت معنایی (واژگانی‌شده) را در برمی‌گیرد:

اسامی وجهی (مانند احتمال، ضرورت) - صفات وجهی (مانند احتمالی، ضروری) - افعال وجهی (مانند توانستن و خواستن) - قیود وجهی (مانند احتمالاً، بی‌شک) - زمان (مانند کاربرد آینده محور زمان گذشته ساده) (کریمی دوستان و ایلخانی‌پور ۱۳۹۱: ۹۰)

از طرف دیگر توانگر و عموزاده افعال وجهی را به شکل زیر تقسیم‌بندی کردند که می‌توان آن در دسته‌بندی ایلخانی‌پور و کریمی دوستان جای نهاد:

افعال وجهی شامل موارد زیر می‌شود:

الف: افعال واژگانی وجهی (modal lexical verbs) (مانند به نظر آمدن و اجازه دادن) - ب: افعال کمکی وجهی (مانند احتمال داشتن، توانستن و خواستن) - ج: محمول‌های حالت ذهنی (مانند فرض کردن و حدس زدن) (توانگر و عموزاده، ۲۰۰۹: ۸۶۰-۸۵۸).

۳. نتیجه‌گیری

وجهیت، پدیده‌ای است که نظر صاحب‌نظران متعددی از حوزه‌های مختلف خصوصاً زبان‌شناسی و فلسفه را به خود جلب کرده است. وجهیت در گذشته در ارتباط با مقولهٔ نحوی «وجه» قرار داشت و رفته‌رفته زبان‌شناسان به تمایز وجهیت معنایی و وجهیت دستوری رسیدند و وجهیت را در سه جایگاه تعریف می‌کنند. این در حالی است که مقولهٔ وجهیت کاملاً زبان‌ویژه است و در بین زبان‌ها به شیوه‌های مختلف و متنوعی منعکس می‌شود، نمی‌توان معیارهایی ارائه داد که مقولهٔ وجهیت را در تمامی زبان‌ها به صورت یکسان بازنمایی کند و تحقیقات این‌چنینی باید مطابق با ذات هر زبان و سازگاری آن با توانایی‌ها و امکانات آن زبان باشد. لذا در بحث وجهیت باید به دو نکته مهم تأکید کنیم: یکی بررسی وجهیت به صورت زبان‌ویژه و دوم بررسی وجهیت در سطوح گفتمانی، جمله‌ای و زیر جمله‌ای؛ یعنی اینکه قواعد وجهیت یک زبان را به زبانی دیگر تحمیل نکنیم و شاکله وجهیت هر زبان با زبان دیگر متفاوت است. دوم اینکه برای بررسی وجهیت تمامی ابعاد آن را باید در نظر گرفت.

با الهام و جمع‌بندی از رویکردهای مختلف به وجهیت، یک شاکله کلی از نظام وجهیت را به صورت نمودار زیر نشان می‌دهیم. این نمودار تمامی ابعاد وجهیت را در برمی‌گیرد از جمله وجهیت گفتمانی، وجهیت دستوری و وجهیت معنایی. این نمودار می‌تواند یک الگوی قابل‌اعتنایی برای بررسی وجهیت در زبان فارسی باشد:

۱. وجهیت جمله‌ای

الف: افعال وجهی

ب: قیود وجهی

ج: زمان

۲. وجهیت زیر جمله‌ای

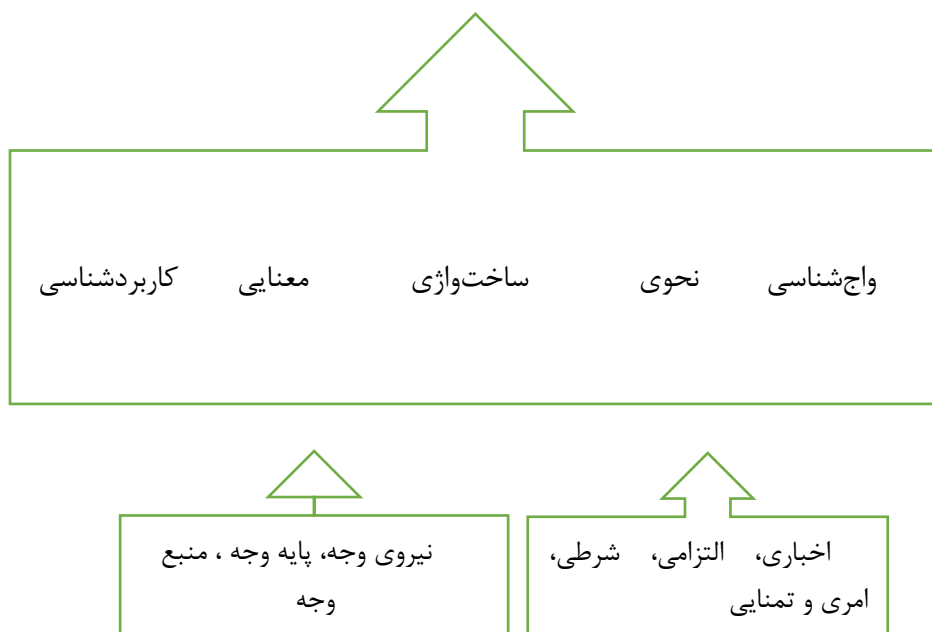
الف: اسامی وجهی

ب: صفات وجهی

ج: وجه فعلی

۳. وجهیت گفتمانی

این نمودار حاکی از این است که برای بررسی وجهیت به یک شاکله کلی نیاز داریم که دارای سه بخش باشد: ۱. بررسی وجهیت بافتی (گفتمانی)؛ وجهیتی که نه واژگانی شده و نه دستوری، یعنی فراتر از جمله است. ۲. وجهیت زیر جمله‌ای؛ وجهیتی که فقط در عناصر جمله از قبیل صفت واژگانی شده باشد، یعنی در عناصر زیر جمله‌ای نهفته است. ۳. وجهیت جمله‌ای؛ وجهیتی که در فعل دستوری شده باشد و از جمله استنباط می‌شود.



این نمودار حاکی از آن است که از منظر دیگر نیز می‌شود به وجهیت پرداخت. وجهیت یک عنصر زبانی است که می‌توان از منظر واج‌شناسی، نحوی، ساخت‌واژی، معنایی و کاربردشناسی به آن پرداخت و هر کدام از این دیدگاه‌ها تنوعات گوناگونی برای وجهیت ارائه خواهد داد. برای مثال همان‌طور که مشاهده می‌کنید بررسی وجهیت از منظر معنایی، سه ابزار برای سنجش آن ارائه می‌دهد: نیروی وجه، پایه

وجه و منبع وجه. همچنین بررسی وجهیت از منظر نحوی نیز ۵ وجه در سنجش وجهیت ارائه می‌دهد: وجه اخباری، التزامی، شرطی، امری و تمنایی. این ابزارها حاکی از این است که تا بدین جا وجهیت تنها از این دو منظر نحوی و معنایی در زبان فارسی بررسی شده است و بقیه ابعاد آن یعنی واج‌شناسی و ساخت‌واژه و کاربردشناسی آن بررسی نشده است و چه بسا با بررسی وجهیت از این منظر، به شاکله‌ای بس عظیم برای وجهیت دست خواهیم یافت و هرکدام از این دیدگاه‌ها تنوعات گوناگونی برای وجهیت ارائه خواهد داد.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- ۱) ایلخانی پور، نگین (۱۳۹۴)، *صفات وجهی در زبان فارسی*، چاپ اول، تهران: مرکز.
- ۲) باطنی، محمدرضا (۱۳۷۰)، *توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی*، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ۳) رضایی، والی و فاطمه بهرامی (۱۳۹۴)، *مبانی رده‌شناسی زبان*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴) لاینز، جان (۱۹۸۱)، *درآمدی بر معنی‌شناسی زبان*، ترجمه کوروش صفوی، چاپ اول، تهران، علمی.
- ۵) ناتل خانلری، پرویز (۱۳۵۴)، *تاریخ زبان فارسی*، چاپ اول، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

ب: مقاله‌ها

- ۱) اخلاقی، فریار (۱۳۸۶)، «بایستن، شدن و توانستن: سه فعل وجهی در فارسی/امروز»، مجله نامه فرهنگستان. جلد سوم، شماره ۳، صص ۸۲-۱۲۹.
- ۲) رحیمیان، جلال (۱۳۷۸)، «وجه فعل در فارسی/امروز»، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۴۱-۵۲.
- ۳) طاهری، حمید و یوسف اسفندیار (۱۳۹۶)، «تأثیر بافت در شناخت صور وجهی»، دومین کنفرانس بین‌المللی ادبیات و زبان‌شناسی، تهران.
- ۴) عموزاده، محمد و حدائق رضایی (۱۳۸۹)، «بعد معناشناختی «باید» در زبان فارسی»، نشریه پژوهش‌های زبانی، شماره ۱، صص ۵۷-۷۸.

- (۵) کریمی دوستان، غلامحسین و نگین ایلخانی‌پور (۱۳۹۱)، «**نظام وجهیت در زبان فارسی**»، نشریه پژوهش‌های زبانی، شماره ۱، صص ۷۷-۹۸.
- (۶) میرسعیدی، عاطفه السادات (۱۳۹۱)، «**فارسی کنونی به‌عنوان یک زبان جنسیت‌گرا**»، دو فصل‌نامه زبان پژوهی دانشگاه الزهرا (س)، سال سوم، شماره ۶، صص ۲۰۲-۲۲۲.
- (۷) نقی‌زاده، محمود، محمد عموزاده و منوچهر توانگر (۱۳۹۰)، «**بررسی مفهوم ذهنیت در افعال وجهی در زبان فارسی**»، نشریه پژوهش‌های زبانی، شماره ۱، صص ۱-۲۰.
- ج: منابع لاتین

1. Brinton, Laurel J.& Elizabeth C. Traugott (2005). **Lexicalization and Language Change**. Cambridge: Cambridge University Press.
2. Bybee, J. L., R. D. Perkins and W. Pagliuca (1994). **The evolution of grammar: Tense, aspect, and modality in the language of the world**. Chicago: University of Chicago Press.
3. Crystal, David (2008). **A Dictionary of Linguistics and Phonetics (6th ed.)**. Oxford: Blackwell Publishing.
4. Fillmore, C. (1968). **The case for case**. In: **Bach, E., Harms, R.T. (Eds.)**, *Universals in Linguistic Theory*. New York, Holt Rinehart and Winston Inc, 1-88.
5. Frawley, W. (1992). **Linguistic semantics**. Hillsdale, NJ, Lawrence Erlbaum.
6. Givon, T. (1995). **Functionalism and Grammar**. Amsterdam: John Benjamins.

7. Lyons, J. (1977). **Semantics**. Vol. 2. Cambridge: Cambridge University Press.
8. Lyons, John(1997). **Semantics**. Cambridge: Cambridge University Press.
9. Narrog, H. (2005). **On Defining Modality Again**. Language Sciences 27, 165–192.
10. Palmer, F. R. (1986). **Mood and Modality**. Cambridge: Cambridge University Press
11. Palmer, F. R. (1990). **Modality and the English Modals**. London, Longman.
12. Palmer, F. R. (1998). **Mood and Modality: basic principles**. In: Brown, K., Miller, J. (Eds.). Oxford: Elsevier, 229–235. **Concise Encyclopedia of Grammatical Categories**.
13. Palmer, Frank R. (2001). **Mood and Modality (2nded.)**. Cambridge: Cambridge University Press.
14. Portner, Paul(2009). **Modality**. Oxford: Oxford University Press.
15. Saeed, J. I. (2009). **Semantics**, 3rd ed., Hong Kong: Willey- Blackwell.
16. Taleghani, Azita H. (2008). **Modality, Aspect and Negation in Persian**. Amsterdam: John Benjamins B.V.
17. Tavangar, Manoochehr & Mohammad Amouzadeh(2009). **“Subjective Modality and Tense in Persisn”**. Language Sciences. 31.pp.853-873.